

پیک رضوان

دانگان

نشریه فرهنگی مذهبی پیک رضوان شماره سی و نهم
ویژه خرداد سال ۱۴۰۲ شمسی ۱۴۲۵ هجری قمری

امام صادق علیه السلام: خداوند تعالیٰ به پیامبر از آنها وحی کرد: به قوت بگو! لباس دشمنان را نپوشند و به شکل دشمنان من در نیاید، غذای دشمنان را نخورید، اگر چنین کنید شما نیز مانند آنها دشمنان من خواهید بود. میزان الحکمه، ۱۸/۵

این نشریه حاوی اسماء متبرک است



مضرات لباس تنگ برای سلامتی



شیوه‌های یاری امام زمان علیه السلام (قسمت سوم)

لباس تنگ باعث ایجاد اختلال در جریان خون، احساس کوفتگی و خستگی، دل درد، نفخ شکم، عفونت ادراری در خانم‌ها، خارش و سوزش پوست، اگرماهی تنفسی، زخم و بردگی پوستی، ترش کردن غذا، رشد قارچ‌های پوستی و حتی سرطان سینه در خانم‌ها می‌شود. در گذر زمان و با تغییر نسل‌ها، گویا یک پدیده اجتناب‌ناپذیر است و آن کوچک شدن همه چیز است. خانه‌های نقلی، ماشین‌های کوچک، شلوارهای کوتاه و تنگ، مانتوهای چسبان و پیراهن‌های تنگ. این موارد آخر در ذهن تداعی می‌کند که خیاط همیشه پارچه کم می‌آورد. اما این لباس‌های تنگ اگر محصول جبر زمانه نباشند، حاصل مدد که مستند. اما این مدد برای سلامت بدن خطرناک است. لباس تنگ، عروق پوست را تحت تاثیر قرار داده و در قسمت‌های غیبی او واقع شود، باید اولیای او را یاری کند و بدیهی است که سر سلسله اولیای الهی و محبوب ترین افراد در درگاه روبی، پیامبر خدا(ص) و اهل بیت(ع) او هستند و آنان سرچشمه همه برکات‌هایی از پوست کبود می‌شود. یکی از مشکلات لباس‌های تنگ واسطه همه فیوضات الهی می‌باشد و آنچه از طرف پروردگار به بندگانش احسان می‌شود به خاطر آنهاست.

۴) یاری امام عصر(ع) با امر به معروف و نهی از منکر: یکی دیگر از راه‌ها و شیوه‌های یاری امام عصر(ع)، انجام دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که اگر با شرایط آن انجام شود، آثار ظاهری و باطنی را به دنبال دارد. آثار ظاهری این دو فریضه در این ساعت پس از پوشیدن لباس تنگ، یک تورم عمیق همراه با خارش، سوزش و درد ایجاد می‌شود که پس از ۸ تا ۷۲ ساعت از بین می‌رود. گاهی تپ و لرز، ضعف، خستگی و سردرد هم در کنار این عارضه وجود دارد. بررسی های انجام شده نشان می‌دهد پوشیدن لباس‌های خیلی تنگ در بلند مدت، احتمال گسترش تومورهای سرطانی را در بافت سینه افزایش خواهد داد. اگر آرزوی دارید لباس تنگ نبپوشید. دکتر حسین طباطبائی مخصوص پوست و مو، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران در این باره می‌گوید: پوشیدن لباس تنگ در افراد سالم مشکل چندانی ایجاد نمی‌کند، زیرا اینها از اموری است که مختص به وجود مبارک امام(ع) است. پس هر کس موفق به انجام این امور شود، البته امام را یاری نموده است. اما آثار باطنی این دو فریضه این است که: موجب نزول برکات و فیوضات الهی شده و سبب برطرف شدن بلاها و گرفتاری‌ها می‌گردد.

ایجاد می‌کند که زمینه آرزوی و حساسیت دارند. مهم ترین لباسی که ایجاد مشکل می‌کند، معمولاً شلوارهای جین تنگ است نه بلوزهای تنگ. لباس فیوضات الهی به یعنی وجود مبارک امام(ع) به بندگان می‌رسد، پس تنگ در افرادی که زمینه آرزوی دارند، باعث ایجاد اگزماهی تنفسی می‌شود، هر کس باعث برطرف شدن مواعظ و سبب ظهور آنها گردد، آن حضرت را در ظهور آثار وجودی ایشان یاری کرده است

شیوه‌های یاری قائم آل محمد، ص ۲۳ و ۲۴

باشیم

باشیم



تا نرم نشی، جذب نمی‌شی!

داستان گوارش و هضم و جذب غذا هم داستان جالبیه. این معده و روده‌ی ما هرچیزی رو هضم و جذب نمی‌کنه. تصور کنیں که بخواین چند تا گرد و چند تا پسته رو قورت بدین و خدا می‌دونه که بعداً چقدر اذیت می‌شین و چه بسا دل درد هم بگیرین. چیزی رو که به دهانمون می‌ذاریم تا بخوریم ابتدا باید با دندون‌هایمون خوب بجویم، تا با براز دهانمون ترکیب بشه و حسابی نرم بشه. اینطوری هم مسیر دهان تا معده رو راحت‌تر طی می‌کنه، هم بهتر هضم و جذب می‌شیه.

نیاشیم جذابیت‌مون رو از دست میدیم. ارتباط‌هایمان، حرفاً‌مان و نصیحت‌هایمان چندان دلنشیش نمی‌شیه. راه نفوذ به قلب دیگران، نرمی و ملایمته. گاهی انتظار عجیبی داریم، می‌خوایم با همه‌ی سختی‌ها و سخت‌گیری‌ها و خشونت‌ها و درشتی‌ها، به قلب دیگران وارد بشیم و محبوب اونها باشیم و اونها هم به دل ما رفتار کنیم! این خلاف قاعده محظوظ است. دری که خوب بسته نشیه باید روغن زد تا نرم بشه و خوب بسته بشه. توی موتور ماشین باید روغن ریخت تا نرم باشه و خوب کار کنه. نرمی، قانون هستیه. بارون وقتی نرم و آروم می‌باره، جذب زمین می‌شیه. بیایید با هم تصمیم بگیریم تو رایطه‌هایمون با پدر، مادر، همسر، فرزند، خواهر و برادرها، فامیل‌ها، همکارها و دوست‌ها و همه

تجارت احکام آن را مطالعه کنند مثلاً حضرت فرمود: "ای جمعیت بازرگانان اول احکام معاملات بعد تجارت اول احکام معاملات بعد تجارت اول احکام معاملات بعد تجارت". "ربا هفتاد جزء دارد که کمترین آن این است که انسان با مادر خود نزدیکی کند"

۱) عظمت گناه را بدانیم
ما وقتی بای صحبت کسانی که مردم در احکام به آنها زیاد مراجعه می‌کنند می‌نشینیم می‌بینیم که از یک چیز خیلی می‌نالند و آن: "عدم رعایت موازین شرعی در معاملات است" متأسفانه برخی از کاسپ ها این روزها به احکام معاملات اهمیت زیادی نمی‌دانند ما این بار می‌خواهیم از بزرگترین و باریان کرده و راه حل جلوگیری از آن را از زبان امیر المؤمنین (علیه السلام) بیان خواهیم کرد:

۱) عظمت گناه را

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): "ربا هفتاد و سه قسم دارد که کمترین آن مثل این است که انسان با مادر خود نزدیکی کند" امام باقر (علیه السلام): "یک درهم ربا نزد خدا سنتگین ترا از چهل بار زنگیدن است" امام صادق (علیه السلام): "یک درهم ربا نزد خدا سنتگین ترا از هفتاد بار زنا کودن با محارم در خانه خداست". "ربا هفتاد جزء دارد که کمترین آن این است که انسان با مادر خود در خانه خدا نزدیکی کند"

۲) راه حل ربا از زبان امیر المؤمنین (علیه السلام)

مکرر تأکید می‌نمود که بازرگانان قبل از ورود به

تجارت احکام آن را مطالعه کنند مثلاً حضرت فرمود: "ای جمعیت بازرگانان

اول احکام معاملات بعد تجارت اول احکام معاملات بعد تجارت اول احکام

معاملات بعد تجارت". "کسی که احکام معاملات را نمی‌داند نباید در بازار

بنشیند و به خرید و فروش مشغول شود" از احادیشی با مضمون مشابه علم

این فرمایش حضرت توسط خود ایشان بیان می‌شود: "ای مردم! ای قبل از

تجارت احکام آن را فرا بگیرید و الله ربا در این امت از حرکت مورجه بر روی

سنگ سیاه مخفی ترا است". "کسی که بدون فراگیری احکام تجارت وارد

آن شود بارها و بارها به ربا خواهد افتاد"

آیا ما ربا را به اندازه جماع با محارم می‌دانیم؟

ایا همان طور که در روابط خود با محارم احتیاط را رعایت می‌کنیم تا خدای

ناکرده حس بدی نسبت به آنها پیدا نکنیم درباره ربا هم آن احتیاط را می‌کنیم؟

چند درصد بازاری های ما احکام معاملات را فراگرفته اند؟

از آنها که فرانگرکته اند چند درصد به ربا نیفتدند اند؟

عاقبت چنین جامعه ای چه خواهد شد؟

آیا می‌توان برای تصور عاقبت چنین جامعه ای را فرض کرد که در

آن زنای با محارم رواج دارد؟ یا جامعه ای که مردمش از زنای با محارم در خانه

خداد شرم ندارند؟

بخش نهج البلاغه تبیان



زندگی با قرآن :

شش نکته کاربردی در ارتباط با فرزندان
قرآن کریم که سراسر درس زندگی است در ابتدای سوره مبارکه یوسف با بیان مختصراً از رابطه پیامبر بزرگ الهی حضرت یعقوب با فرزندش یوسف در سهای متعددی را در ارتباط والدین با فرزندان به ما می آموزد که به عمور آن اشاره می نمایم:

(۱) رابطه صمیمانه

از مهمترین نکته ها در ارتباط والدین با فرزندان رابطه صمیمانه است بگونه ای که فرزندان احساس بیگانگی ننمایند و بتوانند راحت با پدر و مادر ارتباط برقرار کنند و در نتیجه مسائل خود را آنان در میان بگذارند. این رابطه صمیمانه است که می تواند از سیاری از خطرها جلوگیری نموده و فرزندان را از گرایش به بیگانگان باز دارد.

(۲) آگاهی از روحیات فرزندان

حضرت یعقوب کاملاً یوسف و برادرش بنیامین و سایر فرزندان خود را می شناخت اگر پدر و مادر روحیات فرزند خود را بدانند به خوبی می توانند در هر شرایطی برخوردی مناسب با روحیه آنها داشته باشند و آنها را از خطرات نجات دهند و به ارزشها تشویق نمایند.

(۳) اظهار محبت به فرزندان

نوع عبارتی که قرآن کریم از برخورد حضرت یعقوب با فرزندش یوسف و بعد هم با سایر فرزندانش بیان می کند، حاکی از محبت و اظهار محبت است. از نکته های مهمی که باید والدین غافل نشوند این است که دوست داشتن خود به فرزند را اظهار کنند که این اظهار ممکن است با زبان و یا با رفتار باشد ولی تکرار این اظهار محبت امری است ضروری و در حفظ فرزندان و جذب آنها به خانواده، نقش بسزایی دارد.

(۴) آموخت

والدین باید به روشهای مختلفی، فرزندان خود را از مسائل اعتقادی، از شرایط محیط، از خطرها و از دوست و دشمن آگاه نمایند. گاهی بایان صریح، گاهی با نقل داستان، گاهی با نقل از بزرگان و نکته هایی که از آنها باد آوری می نمایند. و می بینیم که حضرت یعقوب علیه السلام فرزندش یوسف را آموخت داد که چگونه با برادران خود برخورد نماید و چگونه از خطرهای احتمالی پیشگیری کند.

(۵) گوش سپردن به سخنان فرزندان

هنگامی که والدین با حوصله به سخنان فرزندانشان گوش دهند، و برای آنها وقتی را اختصاص دهند، فرزندان تشویق می شوند که اتفاقات اطراف خود را برای والدین بگویند و برخودهایی که با دوستان و غیردوستان دارند برای پدر و مادر بازگو نمایند و در این گوش کردنهاست که والدین می توانند نقطه های قدرت و ضعف را شناسایی و فرزندان خود را به موقع راهنمایی کنند که حضرت یعقوب علیه السلام بر این جریان هم با کمال آرامش خاطر به سخنان فرزندش گوش کرد و رهنمودهای لازم را به او آموخت.

(۶) تلاش برای اصلاح روابط فرزندان

از برنامه هایی که باید پدر و مادر به آن توجه داشته باشند این است که با تدبیر لازم فرزندان خود را بکدیگر علاقه مند کنند و با محبت بار آورند و اگر فرزندی نسبت به فرزند دیگر بدخواهی داشت با تدبیر از آن پیش گیری نمایند. اگرچه حضرت یعقوب موفق بر این کار نشند اما تلاش خود را برای اصلاح رابطه برادران با یوسف و یوسف با برادران انجام داد. و مهم این است که پدر و مادر در انجام وظیفه خود کوتاهی ننمایند. بنابراین همواره باید به روابط فرزندان دقت کنند و به اصلاح آن همت بگمارند.

راه روش - مهدی عدالتیان

مناظره با زنی خودنما

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مختاری سبزواری می گویند : در بررسی ادیان و مذاهب و گفتوگو با دانشمندان شان به این حقیقت رسیده ام که : جز مذهب تشیع ، ادیان و مذاهب دیگر ، راه حل معقولی برای مشکلات جنسی و خانوادگی ندارند و باید هم چنین باشد. ایشان در ادامه خاطره ای را چنین نقل نموده اند :

چندین سال پیش از انقلاب که در حوزه‌ی نجف اشرف درس می خواندم، در تابستان برای زیارت به سوریه رفتم و سری هم به لبنان زدم. در یک مسافت داخلی لبنان، میینی بوس بین راه خراب شد. همان جا کنار جاده، آبی بود و چند درخت که برای نماز به آن جرفت. در بین نماز سر و صدا و بگو مگویی بلند شد. پس از پایان نماز دیدم جز چند نفر همه همراهان ما زیر درخت جمع شده اند و ماجرا یی است بدین قرار :

مرد جوانی که معلوم شد و کیل دادگستری است از ساک دستی اش مرغ بربانی در می آورد

، کنار آب رو به روی حاضران، شروع به خوردن می کند.

در میان مسافران، زن جوان زیبایی بود نیمه عربان ، خود نما و هوس انگیز که بعضی از همراهان از خود نمایی و بی حیایی او ناراحت بودند، وی تک و تنها بود و فقط بجهه ای حدود سه یا چهار ساله همراه داشت چون چشم بچه اش به مرغ بربان می افتاد از مادرش آن را تقاضا می کند.

هم با گوید :

خانم ناراحت شده به وکیل اعتراض می کند و می گوید : آقای محترم ! این کار شما خلاف ادب اجتماعی و دور از انصاف است. زیرا این مردم که اینجا نشسته اند و مرغ خوردن شما را می بینند اشنهای شان تحریک می شود و هوس می کند

و چون فعلاً دسترسی به آن ندارند و نمی توانند این هوس را اشباع کنند، ناراحت می شوند

. بنابراین به حکم ادب و انصاف اجتماعی می بایست مرغتان را در گوشه ای تنها می خوردید

نه روی این همه آدم .

وکیل گفت : درست است که کار خوبی نکردم ولی مجبور بودم ، چرا که از طرفی ، هنگامی

که گرسنه می شوم ، اگر غذا نخورم دلم درد می گیرد و از حال می روم از طرف دیگر با غذا

آب زیاد می نوشم و سیله ای هم ندادشتم که آب را با خودم به گوشه ای تنهایی ببرم ، لذا

محبوب شدم که کنار این چشم در مقابل شماها غذا بخورم و در عین حال معدتر می خواهم

.

پس از معدتر خواهی و اعتراف وکیل به تقصیرش ، خانم خودنما طلبکاری و غرورش بیشتر

شد ، و کیل که از پر حرفی خانم داشت ناراحت می شد به وی گفت :

در حضور این جمعیت با شما حرفی دارم . وکیل گفت : چه طور شده به قول شما مرغ بریان

خوردن من در انتظار دیگران که اشتها و هوس آنان را تحریک می کند و فعلاً دسترسی به آن

ندارند ، ناراحت شان می کند ، و این دور از انصاف و ادب اجتماعی است ، اما اگر شما که

پیکر تان را با زینت و آرایش ، زیبا و هوس انگیز ساخته اید و نیمه عربان در دیدگاه ما قرار

داده اید ، آیا اشتها و هوس جنسی ما را تحریک نمی کنید ؟

آیا به خاطر عدم امکان ارضای این هوس برانگیخته ، ما را ناراحت نمی سازید ؟ آیا این کار

هم مصادق (ع) نیز می فرماید : «اگر کسی هر شب برای عبادت بیدار شود و هر روز ، روزه بگیرد ، همه

اموال خود را صدقه بدهد. هر سال به حج برود ولی امام زمان خود را نشناسد و از او پیروی نکند و این

کارها را به اشارة امام خودش انجام نداده باشد. چنین کسی کوچک ترین حقی نزد خدا پیدا نمی کند

و اجری نخواهد داشت و اصلًا از اهل ایمان نخواهد بود.»[۳] ایشان در روایت دیگری می فرماید : «کسی

که امام زمان خودش را نشناسد و نسبت به حق او جاهل باشد، حتی اگر در عبادت تکه شود فقط

از خدا دورت خواهد شد.»[۴]

هزار و یک حکایت عبرت انگیز ، ص ۶۲۲

«امام» و سبک زندگی

«بنده بودن»، مهمترین معرف هویت ما

در این دنیا ما را به هویت و شخصیت مان می شناسند، در روز قیامت نیز وقتی می خواهیم خودمان را معرفی کنیم خودمان را با یک عنصر کلیدی سبک زندگی معرفی می کنیم و آن «عبد بودن» است. در واقع، هویت اصلی ما این است که ما «عبد» هستیم، عبد بودن برای ما یک اختخار بزرگ است. حتی رسول خدا (ص) نیز اول عبد خدا بود و بعد از آن رسول خدا: (و أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدِهِ وَرَسُولَهُ). خدا کند بفهمیم که «عبد» هستیم؛ یعنی به عبد بودن خود اختخار کنیم و احساس سرت داشته باشد ولی خود خیلی ها به اینکه عبد خدا هستند، توجه ندارند با خدا مذاکره می کنند و برای «من» خود را «عبد» نمی دانند. اینها حتی وقتی دعا می کنند نیز گویا دارند با خدا مذاکره می کنند و برای «من» خود، شائی قائلند! یعنی خدا را به عنوان کسی که در عالم قدرت دارد می بینند و از چیزهایی می خواهند؛ این بدان جهت است که معنای دقیق «عبد» را نمی دانند و هویت عبد بودن خود را درست درگ نکرده اند. مثلاً تصویر می کنند عبد، یعنی کسی که عبادت می کند در حالی که شاید نزدیکترین معنای عبد در زبان فارسی، کلمه «برده» باشد؛ یعنی ما بردگان خداوند هستیم و صاحب اختیار ما خداست. «عبد خدا» یعنی برده خدا. ما فارسی زبان ها نیز در مواردی به جای کلمه «من» که اتفاقاً مانع بزرگی در مسیر عبودیت است از کلمه «بنده» استفاده می کنیم که این جایگزینی، فوق العاده خوب است و مثلاً به جای این که یک گوییم «من فکر می کنم»، می گوییم «بنده فکر می کنم». ولی باز هم به معنای حقیقی آن که در زبان فارسی «برده» گفته می شود، توجه نداریم و حتی تحمل اینکه به جای کلمه «بنده» از واژه «برده» استفاده کنیم را نیز نداریم. یک دلیل این که نماز عمود خیمه دین است آن است که بیشترین صورت برده ی و بندگی ما را نشان می دهد. وقتی انسان به سجده می رود و صورت خود را به خاک می گذارد، در واقع به حالتی که یک عبد در مقابل ایشان بوده خود نزدیک می شود. حتی در احکام عبادات هم دلایل جزئی آن را به ما توضیح نداده اند و ما موظفیم بندهوار آنها را انجام دهیم؛ مثل اینکه نمی دانیم چرا باید نماز صحی را در کنار آن بگیریم. و یک رکوع و دو سجده به جا آوریم.

وقتی خوبان عالم و اولیای خود ، همه عبد خدا هستند و خدای متعال، رسول اکرم (ص) را به عبد و حضرت فاطمه (س) را به آمه (زنی که بنده است) ملقب می کند، تکلیف ما معلوم است. اساساً انسان تا کنند. در واقع اولین پایگاه معرفی هویت را دو رکعت و حمد و سورة آن در آن بلند (برای مردها) و یک رکوع و دو سجده به جا آوریم.

وقتی خوبان عالم و اولیای خدا، همه عبد خدا هستند و خدای متعال، رسول اکرم (ص) را به عبد و

حضرت فاطمه (س) را به آمه (زنی که بنده است) ملقب می کند، تکلیف ما معلوم است. اساساً انسان تا

کنند. در واقع اولین پایگاه معرفی هویت خودش افتخار کند، به «عبد بودن» خودش افتخار

آماد تو کیست؟

امام رضا (ع) می فرماید: «عبادت هفتاد وجه (مرتبه یا نوع) دارد. شصت و نه قسمت (مرتبه) از عبادت.

تسلیم و راضی بودن به خدا و امام زمان (ع) است: [۱] کسی که واقعاً عبد خداست، قطعاً می داند که

این خدا و ارباب، بروی زمین جانشینی دارد که این جانشین خدا یا «خلیفه الله» نیز بعد از خدا، ارباب

و مولای او خواهد بود. لذا امیر المؤمنین (ع) می فرماید: «من بندهای از بندگان رسول خدا (ص)

هرگاه از آلات قمار خارج شده باشد و در نزد عرف یک وسیله سرگرمی

محسوب شود بازی با آن بدون برد و باخت مالی باشد یا بدون آن جایز نیست.

حضرت آیت الله سیستانی: اگر در عرف محل از آلات قمار نباشد، بازی بدون برد و باخت با آن مانع ندارد.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: بازی بازی با آلات قمار حتی بدون برد و باخت حرام است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: هرگاه از آلات قمار خارج شده باشد و در شترنج احتیاط

می شود این می شود بازی با آن بدون برد و باخت اشکال ندارد.

حضرت آیت الله بهجت: بازی کردن با آلات قمار، از قبیل نرد و پاسور و شترنج، با برد و باخت حرام

قطعی است و بددون برد و باخت احتیاط در ترک آن است و در شترنج احتیاط

آش است.

مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ص ۱۷۲



بازی بیل